



آسیب شناسی پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر با تاکید بر مجازات اعدام

دکتر عباسعلی اکبری^۱، دکتر سالار صادقی^۲

۱- استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲- دانش آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و مدرس دانشگاه.

چکیده

سیاست قانونگذار ایران در جهت پیشگیری از جرایم مواد مخدر همواره مبتنی بر پیشگیری کیفری و سرکوب گرانه بوده است به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، شخصیت مرتکب، کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای تناسب سازی مجازات است توجه نشده است ضمن اینکه مجازات اعدام علاوه بر ناعادلانه بودن و نداشتن بازدارندگی موثر، در عمل اثرات نامطلوب اجتماعی و کاهش اعتبار بین‌المللی کشور را نیز به دنبال داشته و موجب پیشگیری از جرایم مواد مخدر نشده است همچنین عدم تمایل قضات به صدور چنین احکامی، دلیلی بر ناعادلانه و نامتناسب بودن مجازات‌های مواد مخدر بالاخص اعدام است. بر این اساس مقاله حاضر با نگاهی تطبیقی به سیاست جنایی سایر کشورها در این خصوص، به این نتیجه می‌رسد که سیاست پیشگیرانه کیفری مقنن به لحاظ خروج از تناسب و اعتدال در عمل مفید نبوده و موجب تضعیف مشروعیت مجازات اعدام گردیده است لذا تجدیدنظر اساسی در سیاست اعمال مجازات‌های شدید بالاخص اعدام و توسل به جایگزین‌های مناسب ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: اعدام، پیشگیری، بازدارندگی، تناسب، مواد مخدر



مقدمه

با توجه به فراملی بودن و سازمان یافته بودن جرائم مربوط به مواد مخدر و تلقی آن به عنوان جرم بین المللی قراردادی، صدور کنوانسیون های متعدد منطقه ای و جهانی از طرف سازمان ملل بالأخص کنوانسیون ۱۹۸۸ و الحاق ایران به آن، بسیج جهانی برای مبارزه تمام عیار با جرائم مواد مخدر به لحاظ قبح اجتماعی آن در سطح ملی و جهانی، تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر، تصویب سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر در سال ۸۵ و دیگر مقررات موجود می توان گفت که تدوین و اجرای سیاست جنایی به معنای وسیع آن به صورت جامع و در سطح کلان در مبارزه با پدیده شوم مواد مخدر، مورد توجه و نظر دولت ایران بوده و هست.

با توجه به شدت و عدم تناسب مجازات ها، وجود دادرسی و مرجع اختصاصی ویژه (دادگاه انقلاب) در رسیدگی به جرائم مواد مخدر و محدودیت قضات در استفاده از نهادهای قانونی جهت تفرید مجازات ها می توان گفت در مورد جرائم مواد مخدر اعم از شکلی و ماهوی، سیاست جنایی افتراقی حاکم است. با اینکه حقوق کیفری (سیاست کیفری)^۱ به لحاظ دولتی بودن آن همواره نقش محوری در سیاست جنایی ایفا می کند. ولی سیاست جنایت امروزی به معنای وسیع خودش تحت تأثیر یافته ها و آموزه های جرم شناسی و حقوق بشری در حال فاصله گرفتن از سیاست کیفری محض می باشد (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱). در این راستا مجازات اعدام یکی از شدیدترین ابزار سیاست کیفری در مبارزه فراگیر با جرائم مواد مخدر در ایران و بعضی از کشورهای دیگر^۲ هست.

به کارگیری اقدامات سرکوبگرانه از طریق اعمال مجازات های نامتناسب و شدید بالاخص اعدام در ایران برای برخی مرتکبین جرائم مربوط به مواد مخدر اگرچه احتمالاً در مقطعی مفید بوده ولی به هیچ وجه روش مورد قبول و محوری برای مهار و کنترل آن برای تمام ادوار تلقی نمی شود. شیوع وسیع جرائم مواد مخدر که عمدتاً ناشی از موقعیت ترانزیتی کشورمان و همچنین اتخاذ تدابیر شتاب زده سنتی توسط سیاست گذاران این امر بوده هزینه های کلان مادی و انسانی را بر کشورمان تحمیل نموده است بدون اینکه در قبال این همه هزینه، توانسته باشیم نرخ بزهکاری مواد مخدر را کاهش یا حداقل مهار کرده باشیم.

مقاله حاضر در در پنج مبحث ۱- جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی تقنینی ۲- نگاهی تطبیقی به سیاست جنایی تقنینی در قبال مواد مخدر ۳- جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی قضایی ۴- پیشگیری کیفری در

^۱ Penal Policy

^۲ حدود ۲۲ کشور در دنیا برای قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام تعیین کرده اند. این کشورها عبارتند از: ماوریتوس، برونئی دارالاسلام، برمه، چین، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، سریلانکا، تایوان، تایلند، ترکیه، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، سوریه، امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا و ایران (به نقل از کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).



سایه اصل حتمیت و قطعیت مجازات و ۵- ضرورت توسل به جایگزینهای مجازات اعدام به تفصیل مورد کنکاش و آسیب‌شناسی قرار گرفته است.

۱. جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی، سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات و به‌طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است (نجفی ابرندآباد، ۱۳۷۹، ص ۱۶). در ایران با توجه به مقررات جرائم مواد مخدر می‌توان گفت متولی و مرجع اصلی سیاست گذاری در این خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام هست. البته جای خرسندی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح این قانون را به مرجع عام قانون‌گذاری (مجلس شورای اسلامی) داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم‌انگاری اصولی مبتنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می‌کند. پیشگیری کیفری مجموع تدابیر و اقداماتی است که از طریق اجزای سیستم عدالت کیفری برای حذف یا کاهش خطر جرم انجام می‌شود و مبتنی بر تنبیه و مجازات است (محمدنسل، ۱۳۹۳، ۱۷۰).

قانونگذار به منظور پیشگیری کیفری از هر جرم کم‌اهمیتی، نباید به ابزارهای کیفری شدید متوسل شود و باید در وضع قانون و تعیین مجازات برای گروههای خاص مجرمین، اهداف مداخله را از قبل مشخص کرده و طیفی از مجازاتهای متنوع برای انطباق با شرایط خاص هر جرم در دسترس گذاشته و ویژگیهای تابعان قانون را در جرم‌انگاری و تعیین مجازات در نظر داشته باشد (فرجیها و فروزش، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، ص ۷۶). ظرفیتهای و ابزارهای قانونی در ایجاد تناسب بین جرایم و مجازاتها در مرحله تقنین و دادرسی عموماً شامل تخفیف، تشدید، تعیین حداقل و حداکثر مجازاتها و اختیارات قضات دادگاههاست.

شایان ذکر است که استفاده از مجازات، که ابزار اصلی پیشگیری کیفری است، زمانی ضرورت پیدا می‌کند که برای دفاع از آزادی و حیثیت دیگران یا حفظ نظم عمومی و پیشگیری از بزهکاری مفید و موثر باشد. افزون بر آن، مجازات باید عادلانه و منصفانه باشد. بر این اساس، در وهله اول باید اذعان نمود که مردم حق دارند مجازات نشوند.

افراد حق دارند موضوع برخوردهای سخت و بدنام‌کننده از سوی دولت قرار نگیرند. آنچه در مداخله کیفری رخ میدهد پایمال شدن حق بر مجازات نشدن است و از این رو برای دارنده آن این حق ایجاد میشود که چه دلیلی زیرپا گذاردن حق وی را توجیه می‌کند. قانونگذار باید بتواند در هر مورد از موارد تحمیل ضمانت اجرای کیفری، بگوید که نقض آن قانون شایسته سرزنش بوده است (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ۵۰). مجازات به دلیل اینکه در ذات خود «بد» و «خشن» است همواره نیازمند توجیه کافی است. لذا در رویارویی با ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم‌انگاری آخرین سلاح و راه چاره است. این اصل «کاربرد کمینه حقوق کیفری»



است. کاربست درست این اصل می تواند در تضمین آزادی های مردم و پیگیری از تورم کیفری و قضایی و حتی ساختن جامعه اخلاقی سودمند باشد (نوبهار، ۱۳۹۰، ۱۱۳).

علت اصلی ممنوعیت مجازاتهای نامتناسب در نظام بین المللی و همچنین نظامهای حقوقی داخلی، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی اوست. امروزه در نظامهای حقوقی بسیاری از کشورها حق قرار نگرفتن انسان در معرض مجازاتهای نامتناسب، یکی از اصول بنیادین حقوق شهروندی در قلمرو حقوق کیفری تلقی می شود. این حق که به طور مستقیم از کرامت انسانی و حیثیت ذاتی انسان ناشی می شود در بسیاری از اسناد حقوق بشر شناسایی شده است. تئوری تناسب جرم و مجازات تحت تاثیر آموزه های مکاتب مختلف کیفری و جرم شناختی از جمله مکتب کلاسیک، نئوکلاسیک، مکتب تحقیقی و مکاتب دفاع اجتماعی و مکتب جرم شناسی بزه دیده همواره در حال تحول و تکامل بوده است. نگاهی گذرا به قانون مبارزه با مواد مخدر، بیانگر این واقعیت است که قانونگذار عمدتاً با در نظر گرفتن فایده اجتماعی مجازات به وضع این قبیل قوانین و مقررات شدید و خشن پرداخته و طبیعت و اهمیت جرم ارتكابی و میزان صدمه و ضرر و زیان ناشی از آن را در نظر نگرفته است. علاوه بر این، تاریخ تحولات حقوق کیفری و مطالعات میدانی و تجربی در جرم شناسی و کیفرشناسی بیانگر آن است که سیاست پیشگیری از جرم با تشدید مجازات خصوصاً مجازاتهای بدنی و سالب آزادی (حبس) محکوم به شکست بوده است (حیب زاده و رحیمی نژاد، ۸۷، ص ۱۱۵-۱۱۸). لذا پیشگیری کیفری بدون فایده اجتماعی آن مورد پذیرش نیست.

پیشگیری کیفری تقنینی در مورد جرائم مواد مخدر به استثنای پدیده اعتیاد عمدتاً مبتنی بر شدت و عدم تناسب مجازاتها نظیر اعدام و حبس ابد می باشد. قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازاتهای سنگین و شدید، سیاست جنایی صفر مداراگرایانه^۱ یا بدون تسامح را در پیش گرفته است ولی نتایج به دست آمده نشان می دهد که اهداف مورد انتظار حاصل نگردیده است. یکی از اصولی که همواره باید در وضع قوانین کیفری باید مورد توجه قرار بگیرد این است که جرم انگاری، شدت و ضعف مجازات باید با میزان قبح اجتماعی عمل مجرمانه متناسب باشد چرا که عملی که قبح اجتماعی بالایی داشته باشد مجازات شدیدتری می طلبد و برعکس عملی که دارای قبح اجتماعی کمتری است مجازات خفیف تری را می طلبد در غیر این صورت مجازات مقرر فاقد بازدارندگی

^۱. روش «صفر مدارا یا سرکوب محض» ترجمه واژه لاتین Zero Tolerance است. روش مذکور که در اثر ازدیاد خشونتها و ناامنی شهری در برخی از ایالت های آمریکا چون نیویورک بکار گرفته شده بود و نتایج مثبتی هم در پی داشت توسط برخی جرم شناسان فرانسوی مورد توجه و ستایش قرار گرفت؛ در این روش قانونگذار به پلیس و دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری اختیار مبارزه سخت گیرانه و سرکوبانه داده بود به نحوی که باید گفت هیچ گونه تسامح و تساهلی در مبارزه با بزهکاران در نظر گرفته نمی شد.



کافی خواهد بود. افکار عمومی اعتقاد دارد که قبح اجتماعی جرائم مواد مخدر در مقایسه با خیلی از جرائم به مراتب پایین تر است و قانون گذار ایران با وضع مجازات‌های سنگین برای جرائم مواد مخدر از این اعتدال تجاوز نموده است.

توجیه ممنوعیت جزایی بر مبنای حمایت از نظم عمومی یا حقوق و آزادیهای افراد نمی‌تواند بدون توجه به خواستها و ضرورت‌های افکار عمومی باشد عمل جزایی باید از سرزنش عمومی برخوردار باشد و این سرزنش در میزان قبحی است که مردم جامعه برای آن عمل قائل می‌شوند، اگر دولت این احساس را داشته باشد که ممنوعیت یک عمل خاص برای حمایت از جامعه نیاز است باید با تکیه بر اقناع افکار عمومی این امر را اجرا کند و این موضوع پیوندی جدی با نهادینه شدن حوزه عمومی دارد (فلاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۰). در یک دسته بندی کلی می‌توان از شدت جرم و تقصیر متهم به عنوان معیارهای کلی تناسب سخن به میان آورد. در مورد شدت جرم می‌توان به عرف و عادت و فرهنگ یک جامعه و میزان احترامی که برای ارزشهای مورد حمایت حقوق کیفری قائل است مراجعه کرد و در مورد تقصیر می‌توان از معیارهای حقوق کیفری ماهوی بهره برد (Von Hirsch, 1998, p186). اگر کیفردهی به عنوان یک مسئله در سطوح بالایی مورد توجه مردم قرار نگرفته باشد و یا برای آنان موضوعی اهمیت دار تلقی نشود افکار عمومی به معنای دقیق و صحیح در اطراف آن نمی‌تواند شکل بگیرد (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). چنانچه سیاست جرم‌انگاری و وضع مجازات با کرامت انسانی و افکار عمومی که قوه مقننه و همین‌طور قضات دادگستری متأثر از آن هستند، منطبق نباشد علاوه بر تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی هنگفت بر جامعه، سرانجامی جز شکست و دوری از اهداف مجازات را نخواهد داشت (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲).

از منظر اسلام، مجازات برای زجر و عذاب گنهکار نیست بلکه برای تادیب و تهذیب اخلاق، ارتقاء به مدارج شریف و فضیلت، احترام به شخصیت، حیثیت و کرامت انسانی و تبادل برادری و دوستی است (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱-۱۰۴). لذا در مجازات‌های اسلامی، این یک اصل است که مجازات باید با جرم متناسب باشد.

از دیدگاه فلسفی و نظریه سزادهی و مکافات گرایبی، اگر مجرم با تحمل مجازات‌های سنگین بالأخص اعدام تاوان عمل مجرمانه خود را پس می‌دهد و دین خود را به جامعه از جهت ایراد صدمه ادا می‌کند، آیا عادلانه بودن مجازات‌ها و تناسب آن با جرم ارتكابی نباید مورد توجه قرار گیرد و آیا عدم رعایت آموزه‌های کیفرشناسی و اصول و قواعد حاکم بر وضع مجازات‌ها از نظر تئوری و عملی، برخلاف موازین عدالت نخواهد بود؟ آیا "حیات" و "جان" به عنوان ابزاری برای پرداخت دین به جامعه محسوب می‌گردد و مجازات اعدام را با این بهاء گران می‌توان سنجد پاسخ به این پرسش شبهه برانگیز و دشوار خواهد بود (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹). یکی از مبانی حق بر مجازات نشدن، حق بر زندگی است. رعایت تمام عیار این حق حذف کامل مجازات اعدام و یا حداقل توسل به آن در موارد اجتناب ناپذیر (شدیدترین جرایم) است



سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازاتها و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازاتها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازن حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی ننموده است. وضع مجازاتهای اعدام و حبس‌های طولی‌المدت برای خیلی از این جرایم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین آنها بدون توجه به تناسب و اهداف مجازاتها بالأخص اثر بازدارندگی آن می‌کند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

عدالت خوب آن نیست که شدیداً مجازات کند بلکه آن است که به همه تبهکاران پردازد و کارایی مجازات، بیشتر با ترسی که ایجاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود تا با شدت آن (پردل، ۱۳۸۷، ص ۵۵ و ۷۱).

قبل از آنکه مجازات را با شدت جرم یا شخصیت مجرم متناسب کنیم باید تطابق آن با کرامت انسانی تأیید شود. سودانگاری و نیز سزادهی از نوعی افراطی آن به مجازات‌هایی می‌انجامد که با شأن و کرامت انسانی مغایر است (نوبهار، ۱۳۸۰، ص ۳۲۶). از جنبه عملی نیز مجازات شدیدتر از استحقاق، عواقبی نظیر افزایش گذشت ضابطان و قضات، بی‌تأثیری مجازات، تغییر شکل جرم، ارتکاب جرایم دیگر برای فرار از آن توسط مجرم و در برخی موارد ارزش یافتن جرم ارتكابی را به همراه خواهد داشت (مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۲۷۸ به بعد).

عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات که از شئون قانونگذار تلقی می‌گردد بر مبنای رعایت تناسب مجازاتها با جرایم، تطابق جرایم با میزان قبح اجتماعی آن و بالاخره فایده‌مندی مجازاتها ترسیم می‌گردد با این وجود با توجه به مجازاتهای جرایم مواد مخدر، بی‌عدالتی ماهوی کاملاً محسوس و مشهود است. شاید ایده سرکوب و تشدید مجازاتها در قانون مزبور ناشی از دیدگاه سنتی حاکمیت به مقوله مواد مخدر مبنی بر رعایت مصلحت و مبارزه با استعمار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گردیده است، ولی نباید از این مهم غافل شد که مقوله جرم و مجازات معطوف به عامل انسانی به نام بزهکار در کنار سایر بزهکاران می‌باشد لذا در ترسیم سیاست کیفری مبارزه با جرایم مواد مخدر مثل سایر جرایم، باید اصول و قواعد حاکم بر جرم‌انگاری و تعیین مجازاتهای متناسب، عادلانه و فایده‌مند مورد توجه قرار گیرد.

یکی از توجیحات اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم میسر و ممکن نخواهد بود. معلوم نیست قانونگذار ایران چگونه و با چه توجیهی برای جرایم خرد مواد مخدر که توسط افراد پایین‌دست واقع می‌شوند مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد وضع نموده است؟! (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۶). تئوریهایی چون "اصالت سود و فایده اجتماعی" یا "مصلحت نظام" یا حتی نظریه "اصلاح بزهکار" نمی‌تواند مجوزی برای وضع و اعمال مجازاتهای نامتناسب باشد، چرا که بر اساس تئوری اصالت سود و حفظ مصلحت نظام، تفسیر عدالت به نفع نظام به سادگی امکان پذیر است. این تئوری می‌تواند مبنای خوبی برای استفاده از خشونت دولتی باشد (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳). با این تئوری حقوق بشر و اخلاق در پای مصلحت سنجی و فایده‌گرایی محض فدا می‌شود (Wood, 1997, p.20-23).



یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن می‌باشد تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه گردد. چه بسا مجازات‌های ناهماهنگ با افکار عمومی، مورد اقبال مردم بالأخص قضات و دست‌اندرکاران امر خطیر مبارزه با مواد مخدر قرار نگیرد. اینجاست که اهداف مقنن در مبارزه با جرایم مواد مخدر با شکست مواجه می‌شود. افکار عمومی به‌هیچ‌وجه قبح اجتماعی جرایم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش ۳۱ گرم هروئین در داخل کشور که مجازات همگی اعدام است به یک‌میزان بر نمی‌تابد.

۲-نگاهی تطبیقی به سیاست جنایی تقنینی در قبال مواد مخدر

از منظر تطبیقی در بحث جرم‌انگاری مواد مخدر، در تعدادی از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که صرف توجه به حربه کیفر در این مسیر راهگشا نیست. تصویب مجازات‌های شدید حتی می‌تواند موجب کاهش بازدارندگی آن شود. کشوری مانند هلند در این راستا به این سمت پیش رفت که برخی از مواد مخدر آرام و کم‌خطر به فضای شخصی فرد تعلق دارد و شری نیست که قانون بخواهد از آن جلوگیری کند. احترام به حریم خصوصی، اجتناب از برچسب زدن و احترام به تمایلات عمومی از عواملی است که هلند سیاست کیفری سخت‌گیرانه در مواد مخدر را کنار گذاشت (احسان پور و احسان پور، ۱۳۹۵، ۱۷۴-۱۸۴).

کشور موفق دیگری که سیاست تقنینی سخت‌گیرانه را در جرایم مواد مخدر کنار گذاشت، پرتغال است. این کشور سالها به اعتیاد و معتاد بصورت جرم و مجرم نگاه کرد. تا اینکه در سال ۲۰۰۱ پرتغال اولین کشوری بود که از حمل و مصرف همه مواد غیرمجاز، جرم‌زدایی کرد. به جای بازداشت افراد به دلیل حمل مواد برای مصرف شخصی‌شان، پس از دستگیری به آن‌ها هشدار داده می‌شد، جریمه نقدی اندکی در نظر گرفته می‌شد یا از آن‌ها خواسته می‌شد برای درمان، کاهش آسیب و بهره‌مندی از خدمات حمایتی در یک کمیسیون محلی (مشکل از پزشک، مشاور حقوقی و مددکار اجتماعی) حاضر شوند. امروزه مصرف هیچ نوع مواد مخدری در این کشور جرم به حساب نمی‌آید و به مصرف‌کنندگان مواد مخدر خدماتی همچون دارودرمانی به جای دستگیری آن‌ها ارائه می‌شود.

علاوه بر کشور هلند و پرتغال، کشورهای سوئیس، یونان، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و آمریکا نیز در این راستا با نگاهی بیمارگونه و درمانی و یا شخصی به مساله مواد مخدر و اعتیاد به جای نگاه امنیتی، مجرمانه و سخت‌گیرانه، استعمال و مصرف شخصی تعدادی از مواد مخدر (از جمله ماری جوانا) را قانونی اعلام کرده‌اند. در بسیاری از کشورهای دیگر هم توزیع و فروش مواد با مجازات‌های خفیفی چون جزای نقدی مواجه است.



از تجربه موفق کشورهای مذکور می توان دریافت که مواد مخدر برای مصارف شخصی بر اساس احترام به حریم خصوصی نیازمند کیفرهای سخت نیست اما توزیع و فروش و قاچاق آنها مخصوصاً مواد پرخطر مانند روان گردان ها نیازمند برخورد کیفری متناسب و البته متعادل هستند.

۳- جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری نشأت می گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). فردی کردن واکنش کیفری عبارت است از تعیین نوع و میزان و نحوه تحمیل واکنش کیفری بر بزهدار، بر اساس مصلحت وی و جامعه. (Fletcher, 1999, p86). دستگاه قضایی نیز باید در جهت پیشگیری کیفری، اصل تناسب مجازات را در نظر بگیرد.

یکی از اجزاء قابل توجه اصل تناسب، درجه بندی نمودن ضمانت اجراهای یک جرم برای پاسخ به تمامی حالات جرم است به گونه ای که طیف متنوعی از پاسخها در دسترس مجریان قانون باشد. اگر پاسخهای کیفری دارای درجه بندی بوده و قاضی بتواند در صورت صرف نظر کردن از مجازات شدیدتر با یک درجه به مجازات سبک تری توسل جوید، بدون آنکه از بازدارندگی مجازات کاسته شده و ضمانت اجرای مورد نظر خاصیت و ناتوان سازی خود را از دست بدهد، هم وجدان و روح و روان او از چنبره این احساسات و افکار فلج کننده رهایی می یابد و هم اهداف مقنن از وضع و اعمال مجازاتها برآورده شده و هم امنیت جامعه از رهگذر اعمال مجازاتهای متناسب حفظ می گردد (فرجیها و فروزش، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، ص ۸۳ و ۸۲). مجازات باید در میان رتبه بندی وسیع تعیین شود و دادرس باید در محدوده حداقل و حداکثر مجازات که قانونگذار براساس ملاحظیات تناسب ترتیبی مقرر کرده است، مجازات مقتضی و مناسب را بر مجرم تحمیل کند (حیب زاده و هوشیار، ۱۳۸۹، ص ۳۱). متأسفانه قانونگذار ایران چنین اختیار و ساز و کاری را جهت تعدیل و تفرید مجازاتهای جرایم مواد مخدر به تناسب وضعیت مرتکب، نوع جرم و میزان شدت جرم برای قضات دادگاهها مقرر ننموده است.

قانونگذار در جرایم مواد مخدر علاوه بر اصرار به شدت و عدم تناسب مجازاتها، عملاً اختیار قضات دادگاهها را در تناسب سازی مجازات اعدام محدود نموده است و به رغم این محدودیت، قضات در اکثر موارد با توسل به مفرهای قانونی و بعضاً غیرقانونی از صدور احکام اعدام با وصف احراز جرم امتناع نموده و محکومیت به اعدام را به محکومیت خفیف تعدیل می دادند.

متناسب بودن پیشگیری کیفری با شدت جرم ارتكابی، در زمان وضع قانون توسط قانونگذار و نیز در زمان تعیین و تخصیص کیفر توسط قاضی برای جرم خاص و مرتکب معین، مورد توجه قرار میگیرد. زیرا مجازات باید نشانگر میزان زشتی و خطر جرم ارتكابی برای جامعه باشد عدم توجه به این امر موجب ظلم و تبعیض، به صورت افراط یا



تفریط در اعمال مجازات می شود (حبیب زاده و هوشیار، ۱۳۸۹، ص ۱۲). قضات در عمل مجری قانون اند و هر آنچه قانون بگوید لاجرم باید اجرا کنند اما در صدور آرای قضایی، نیروی دیگری نیز دخالت دارد. نیرویی که در مقابل جبر بیرونی قانون از ندای درونی بشر برمی خیزد و آن ندای درونی، وجدان دادرس است که از وی می خواهد رأی را با عدالت منطبق سازد، چه همواره قوانین عادلانه به نظر نمی رسند و با عدالت منطبق نیستند (گودرزی، ۱۳۸۱، ۲۷). در قانون مبارزه با مواد مخدر پیش بینی شده که حمل این مقدار مواد مخدر حکم اعدام را دارد، دادگاهها هم برای آن حکم اعدام می دادند اما زیر حکمشان می نوشتند این شخص استحقاق اعدام را ندارد و از دادستان کل می خواستند که پرونده را به کمیسیون عفو و بخشودگی بدهند تا در مجازات آن تخفیف داده شود. این یعنی چنین مجازاتی قانونی است ولی مشروع نیست. پس در کنار قانون، مشروعیت لازم است این مشروعیت است که تناسب جرم و مجازات را به وجود می آورد (آزمایش، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، مخصوصاً در سالهای اخیر از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سالهای اخیر مورد بررسی قرار گرفته است ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده اند و این تعداد (۲۰۰۰ فقره) فقط نهم درصد پرونده های جامعه آماری مورد آزمون را تشکیل می داده اند. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو واقع شده و یا به دلیل واقع بینی دیوان عالی کشور نقض شده اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹، ۳۳). بنابراین درصد خیلی کمی از مجرمینی که طبق قانون مستحق اعدام هستند اعدام می شوند و این دلیل روشنی بر عدم همسویی رویکرد قضایی با رویکرد تقنینی (خواسته قانونگذار) به جهت وضع مجازاتهای شدید، غیرمتناسب و غیرعادلانه است.

مطالعات جامعه شناسختی صورت گرفته در جامعه ایران، دلالت بر عدم کارآیی اعدام در پیشگیری از جرم داشته است طبعاً نتایج حاصله از این مطالعات بر عملکرد قضات نیز بی تأثیر نبوده است... عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معنی است که قانونگذار در وضع قانون به بیراهه رفته است و در عوض، انصاف طلبی قضات وجود دارد که به لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال انحرافی سرکوب گرانه قانونگذار را در عمل سد می کند (رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷ و ۱۶۳). به علاوه هر اندازه مجازاتها در امر قاچاق شدیدتر باشد و سوسه ارتکاب قاچاق توسط سود جویان و حریصان افزایش می یابد به طوری که نحوه ارتکاب، به چگونگی حفاظت از مرزها و کاهش عرضه مواد در سطح جامعه بستگی دارد و در این قبیل موارد مصادره مواد مخدر و متعلقات قاچاق به عنوان مجازات صحیح و عادلانه است. با وجود غیرقابل انکار بودن وقوع جرم با توجه به مقدار زیان حاصل از ارتکاب جرم برای جامعه باید موانعی ایجاد کرد. بنابراین محرومیت از آزادی (یا پیش بینی کیفر حبس و تبعید)، ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، لغو پروانه اشتغال به کار و تعطیل موسسه و محرومیت از حقوق اجتماعی نسبت به مرتکبین جرایم



مواد مخدر قابل اعمال و موثر است (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰ و ۲۳۲). قضات پیش از آنکه حامی و مجری قوانین باشند انسان‌اند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی به عنوان «انسان» از محیط متأثر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۶۶۵).

عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معناست که قانونگذار در وضع قانون به بیراهه رفته است. اگر قانونگذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون نماید و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و صرفاً با توجه به معلول‌ها قانونگذاری نماید و خیال کند که با اعدام چند نفر قاچاقچی که خود فی‌نفسه معلول به شمار می‌آید و نه علت، می‌تواند به حل مشکل پردازد راه اشتباهی را انتخاب کرده است. (رحمدل، ۱۳۸۶، ۱۷۸)

۴- پیشگیری کیفی در سایه اصل حتمیت و قطعیت مجازات شود

آیا هر چه مجازات شدیدتر باشد بازدارنده نیز هست واقعیت این است که این گونه نیست، گاهی اوقات شدت مجازات نه تنها بازدارندگی بیشتری ندارد بلکه برعکس اثر معکوسی بر جا می‌گذارد زیرا وقتی مجازات شدید و سخت باشد مقامات قضایی حاضر به اعمال آن نیستند که اثر نهایی آن به خاطر پایین آوردن احتمال مجازات، تضعیف آن است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۸۴). ضمن اینکه پژوهشها نشان می‌دهند یکی از دلایل کاهش تأثیر بازدارنده شدت مجازات، این است که مردم عمدتاً مجازاتها را کمتر از آنچه که واقعاً شدید هستند مورد ارزیابی و توجه قرار می‌دهند (Von Hirsch, 1999). عدم رعایت اصل تناسب بین شدت جرم و سنگینی مجازات، باعث انحراف از بازدارندگی مجازاتها از کارکرد اصلی خود خواهد شد زیرا حتی مجرمانی که جرائم خفیف مرتکب می‌شوند کم کم به ارتکاب جرایم شدیدتر متمایل خواهند شد.

به نظر می‌رسد نکته قابل توجه در نظریه پیشگیری عام مثبت، توجه به جنبه های مفید و کاربردی هر دو دیدگاه سزاگرا و فایده گرا است. از یک سو، لزوم دستیابی به هدف بازدارندگی از ارتکاب جرم و کاهش نرخ ارتکاب جرم به عنوان یکی از اهداف هر نظام عدالت کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برای رسیدن به این مقصود فقط بر تهدید و ارباب حاصل از اعمال مجازات یا تهدید به آن اکتفا نمی‌شود بلکه با پذیرش ضرورت اعمال مجازاتهای متناسب در چارچوب تقصیر مجرم و ضرر و زیان ناشی از عمل مجرمانه، با ارضاء حس عدالتخواهی افراد جامعه از طریق اجتناب از تحمیل مجازاتهای نامتناسب، به تقویت هنجارهای قانون پذیری افراد جامعه کمک می‌کند و این امر نیز در نهایت موجب کاهش ارتکاب جرم می‌شود (الهام و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۶۲ و ۷۱). بررسی‌های علمی روانشناسان و جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نشان داده است که شدت و سخت‌گیری



در سیاست‌های مبتنی بر سرکوب، چنانچه به‌طور دائمی و در طول زمان صورت پذیرد و جنبه برنامه‌ریزی شده و زمان‌بندی مشخصی نداشته باشد اثر بازدارندگی خود را از دست می‌دهد (باصری، ۱۳۸۶، ۱۲۱). ضمن اینکه سخت‌گیری و اعمال شدت در مجازات‌ها ممکن است شایستگی دولت را در توزیع عدالت زیر سؤال ببرد و در عمل موجب تشویق افراد به بزهکاری می‌شود (سنا و سیگل، ۱۹۹۶، ۲۲۶).

ساده‌ترین فرض برای ارزیابی بازدارندگی مجازات‌ها آن است که اگر مجازات موثر باشد، باید هم در کاهش نرخ کلی جرایم یا یک جرم خاص و هم در تکرار جرم توسط مجرمان سابق موثر افتد. بنابراین اگر مجازات اعدام برای جرم خرید و فروش مواد مخدر (مجازات خاص برای جرم خاص) موثر باشد باید در نتیجه توسل به این مجازات در طول مدتی خاص (به عنوان مثال ۲ سال) شاهد کاهش وقوع این جرم باشیم. با توجه به پیش فرضهای بنیادین نظریه بازدارندگی، فرض بر این است که مجازات هم نسبت به مجرمان بالفعل و هم نسبت به مجرمان بالقوه، بازدارنده است و موجب کاهش میزان کلی جرایم از یک سو و نرخ تکرار جرم از سوی دیگر می‌شود. استناد به "امکان" افزایش بیشتر وقوع جرم در صورت عدم توسل به مجازات شدید فعلی، اثبات‌کننده اثر بازدارندگی فعلی آن مجازات نیست، بلکه توسل به امکان تاثیر بازدارنده عاملی است که هنوز چنین تأثیری را به جای نگذاشته است (غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۸ و ۱۳۹).

اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات‌ها که از ایده‌های سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات‌ها هست به این معنی است که مردم و بالأخص مجرمین باور قطعی داشته باشند که هرکس مرتکب جرمی شود بدون تردید و به‌صورت حتمی طی حکم قطعی غیرقابل نقض، به مجازات خواهد رسید.

به‌منظور رعایت قانونگرایی و مساوات مطلق، سیاست جنایی مطلوب آن است که برای عمل ارتكابی یک مجازات از میان حداقل و حداکثر پیش‌بینی شده در قانون انتخاب شود با این اندیشه که چنین عمل ارتكابی باید با یک کیفر حتمی و قطعی روبرو گردد (لازرژ، ۱۳۷۵، ۹۳). حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیر شدیدتر از ترس از مجازاتی موخش که امید رهایی در آن راه دارد به‌جا می‌گذارد.

در کلیه نظامهای حقوقی، مجازات طرد‌کننده علیه جرائمی به‌کاربرده شده که شدت شان آن‌چنان بوده که مکافات ناپذیر به نظر می‌رسیده‌اند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آنها به‌منظور پاسداری از نظم عمومی، ضروری به نظر می‌آمده است. این مجازات زمانی که کوشش‌های انجام‌شده به‌منظور انطباق پذیر ساختن مجدد اجتماعی بزهکار با شکست روبرو شده است اعمال می‌گردد. لیکن این نوع کیفر، تنها روش رسیدن به این هدف نیست و چنین مجازات‌هایی (اعدام و حبس ابد) در عمل به لحاظ عفو‌هایی که دیر یا زود به محکومین اعطا می‌شوند از میان رفته‌اند. بنابراین اجرای این مجازات‌ها نباید این امکان را از نظر دور بدارد که چنین محکومی روزی می‌تواند دوباره به جامعه بازگردانده شود (برنار، ۱۳۷۷، ص ۲۶ و ۲۷). به‌جای تأکید در استفاده از کیفرهای بدنی سنگینی که تاکنون موثر واقع نشده است باید دست‌اندرکاران مواد مخدر را در مقابل دو امر



حتمیت و قاطعیت در امور کیفری قرارداد تا از ارتکاب جرم منصرف شوند. حتمیت در کشف جرم و قاطعیت در اجرای کیفر متناسب با قبح و زیان اجتماعی جرم حتی به مقدار کم (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص، ۲۳۰).

می توان گفت در جرائم مواد مخدر حتی اگر همان مجازات سنگین بالأخص اعدام با حتمیت و قطعیت اجرا بشود اثربخشی آن به مراتب بیشتر از وضعیت فعلی است که مجازات اعدام در مورد تعداد اندکی از مجرمین مواد مخدر (مجرمین خرده پا) اعمال می شود. البته نگارنده اعتقادی به شدت مجازات های نامتناسب که حتی اگر به طور قطع و حتم اجرا شوند ندارد چون چنین مجازات هایی علاوه بر اینکه غیر عادلانه و بر خلاف کرامت انسانیت بلکه اثربخشی اجرای مجازات های شدید به صورت مقطعی بوده و نمی تواند به عنوان یک قاعده کلی در درازمدت نتیجه بخش باشد.

به جرات می توان گفت در سیستم قضایی ایران اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات اعدام بنا به دلایل عدیده من جمله استفاده بی ضابطه از نهادهای عفو خصوصی، آزادی مشروط، تخفیف و تعلیق مجازات، کندی سرعت عادلانه دادرسی های کیفری، امکان اعمال نفوذ در کادر قضایی و انتظامی، عدم تمایل بسیاری از قضات به اجرای مجازات های شدید و سعی در توسل به نهادهای مذکور تا حدی زیادی جایگاه خود را از دست داده است و موجب عقیم ماندن مجازات اعدام گردیده است.

اثر اربعایی و بازدارندگی فقط در زمانی بروز و ظهور خارجی می یابد که مجازات تعیین شده در مورد مرتکب حتماً اجرا و اعمال گردد لذا عدم قابل اجرا بودن کیفر می تواند در طول زمان باعث زائل شدن اثر بازدارندگی کیفر و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری گردد (صفاری، ۱۳۸۴، ۱۴۱). پژوهشگران بازدارندگی مجازات ها به این نتیجه رسیده اند که "حتمیت یا قطعیت مجازات بسیار بیشتر از شدت آن بازدارنده است و نتایج فراقانونی جرم حداقل به اندازه همان نتایج قانونی آن بازدارنده می باشد" (Nagin and Pograsky, 2001).^۱

نگارنده در مورد دهها متهم جرایم مواد مخدر که وکالت آنها را پذیرفته است به تجربه به این مهم دست یافته است که مجرمین جرایم مواد مخدر اعتقاد راسخ به اجرای مجازات شدید از جمله اعدام و حبس ابد ندارند. متهمین بر این باور بودند که در مورد متهمین قبل از آنها به رغم صدور محکومیت قطعی، مجازات اعدام یا حبس ابد در اثر نقض حکم در دیوان عالی کشور یا دادستانی کل کشور و یا اعمال عفو خصوصی اجرا نشده است و جالب اینکه خود متهمین متعاقباً به این باور خودشان (نقض مجازات های اعدام و حبس ابد) می رسیدند و بر خود نگارنده نیز محرز گردیده است که خیلی از احکام اعدامی که صحیحاً صادر گردیده در نهایت نقض یا مشمول عفو یا تخفیف قرار گرفته اند. بدین ترتیب قانون مبارزه با مواد مخدر به لحاظ تعدیل نسبی شدت آن در رویکرد قضایی، کارآیی و اثر بازدارندگی خود را از دست داده است و بسیاری از مجرمین مواد مخدر بعد از تحمل

۱. به نقل از غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶.



مجازات، مجدداً مرتکب تکرار جرم شده‌اند و این دلیل روشنی بر شکست جدی سیاست کیفری مقنن در وضع مجازات اعدام است.

۵- ضرورت توسل به جایگزینهای مجازات اعدام

قانونگذار بعد از انقلاب هر جا که به تصورش با مشکل تعیین مجازات اعدام مواجه بوده است به صبغه مذهبی متوسل شده و به عبارتی از قبیل مفسد فی الارض یا محارب تمسک بسته است (رحمدل، ۱۳۸۳، ص ۷۰). اگر این نظریه (بازدارندگی مجازات اعدام) کارایی داشت می‌بایست تحمیل مجازات‌های سنگین به مجرم، مانع تکرار جرم می‌شد و کسانی که به مجازات‌های خفیف‌تری محکوم می‌شوند نرخ تکرار جرم در میان آنها بیشتر می‌شد. تحقیقاتی که در انگلستان صورت گرفته است خلاف این ادعا را نشان می‌دهد (کاوادینو و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵۳).

ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری عمدتاً بر این استدلال مبتنی است که هدف اربعایی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی مجرم‌ها کارگر نیست در واقع هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار، به‌عنوان یک اهرم کیفری تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود» (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵). یکی از مصادیق بارز ناتوان‌سازی، مجازات اعدام هست بنابراین آیا می‌توان گفت غیر از مجازات اعدام، مجازات دیگری در مورد مجرمی که برای بار اول مرتکب جرم شده است کارساز نیست با وصف اینکه مجازات دیگر در مورد وی اعمال نگردیده تا مشخص شود که فایده‌مند بوده است یا نه. لذا گزینه مجازات اعدام در مورد چنین مجرمی به صورت جدی محل تأمل و تردید است. حداقل شاید اجرای قانون موسوم به سه ضربه در مورد تکرارکنندگان جرم قابل توجیه باشد ولی در مورد سایر مجرمین که برای بار اول و احتمالاً به صورت اتفاقی به ارتکاب جرم دست یازیده‌اند کاملاً ناعادلانه و نامتناسب جلوه می‌نماید.^۱ به قول «گسن» تشخیص حالت خطرناک، هم به لحاظ بالینی به استفاده از اقدامات الزام‌آور غیرموجه برای آزادی فردی منجر می‌شود و هم به لحاظ آماری با خطا توأم است (گسن، ۱۳۷۰، ص ۵۷). بنابراین با وجود چنین انتقاداتی، باید در اعمال نظریه ناتوان‌سازی بالأخص توسل به اعدام، کاملاً محتاطانه عمل نمود.

شایع‌ترین و شاید مهمترین سنجه در اندازه‌گیری کارآیی کیفر، مسئله تکرار جرم توسط مرتکبان است که مجازات را تحمل کرده‌اند. فرض بر این است که چنانچه فرد مجازات شده در یک دوره نسبتاً طولانی مثل

^۱ قانون موسوم به سه ضربه در ایالات آمریکا از قبیل کالیفرنیا و واشنگتن جاری است. طبق این قانون پس از دو بار محکومیت به خاطر جنایت، ارتکاب جرم در بار سوم مواجه با حبس ابد است. زیرا چنین مجرم می‌خطرناک تشخیص داده‌شده و باید از جامعه طرد شود.



یکسال یا دوسال از تحمل مجازات، مرتکب تکرار جرم نشود آنگاه مجازات وی کارآیی داشته و در غیر این صورت غیر کارا بوده است (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴).

با توجه به آمار فزاینده جرائم مواد مخدر در سالهای قبل، مجازات اعدام به جهت شدت، عدم تطابق با میزان قبح اجتماعی، عدم تناسب و ناعادلانه بودن آن فاقد بازدارندگی کافی بوده است. در طول حداقل ۴۱ سال گذشته، قانونگذار به شدیدترین شکل ممکن با وضع مجازاتهای سنگین بدون توجه به معضل اجتماعی آنها به جنگ با جرائم مواد مخدر رفته است ولی این جنگ شدید و نابرابر به رغم صرف هزینه های سنگین مالی و جانی، متأسفانه حاصلی در پی نداشته است. "اساساً یک کشور با به کارگیری زبان جنگ علیه مجرمین، عملاً علیه خود اعلام جنگ کرده است" (وینفری ال، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵). حتی با گذشت نه سال از تصویب سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر که در سال ۸۵ توسط مقام رهبری ابلاغ گردیده حداقل اهداف منظور برآورده نشده است.

از لحاظ آموزه های اسلامی هم حق حیات جز در مورد جرایم و مجازات های منصوص قصاص و حدود که جرایم قاچاق مواد مخدر مصداق هیچکدام از آنها نیست، سلب شدنی نیست. با وجود کیفر اعدام، از وقوع جرایم مواد مخدر کاسته نشد بلکه دستگیری ها و آمار کشف مواد افزایش یافت که حکایت از شکست در تامین هدف ارضایی اعدام نیز می کند. به همین دلیل قانونگذار برای مبارزه با مواد مخدر نباید فقط به فکر استفاده از سلاح مجازات آن هم به شدیدترین نحو ممکن باشد بلکه باید به رفع عوامل جرم زا توجه بیشتر شود. از طرف دیگر، احکام اعدام در جرایم مواد مخدر منجر به محکومیت ایران در مجامع بین المللی نیز شده است (پوربافرانی و مسائلی، ۱۳۹۶، ۱۵۰). لذا کیفر اعدام در چنین جرایمی مصلحت نظام را هم تامین نمی کند.

جرائم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آن که مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرائم و گناهمانی نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آن ها حدود خاص، معین شده باشد. قانونگذار می تواند با توجه به ویژگی های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین المللی، مقتضیات زمان و ارزش های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت آموزی دیگران، مجازات های متناسب، پیشگیرانه و بازدارنده، حتی بر اساس عدالت ترمیمی برای آن مقرر کند و مجازات اعدام را به مواردی محدود کند که از مصادیق واقعی و قطعی افساد فی الارض بوده و یا مجازات های دیگر بازدارنده نباشند. نمی توان گفت مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر الزاماً یک کیفر شرعی و حدی محسوب می شود تا قابل اصلاح و تغییر نباشد چرا که قدر متقن از تفاسیر فقها، کیفر اعدام صبغه حکومتی داشته و مشمول مجازات های بازدارنده قرار می گیرد. البته بعضی از فقها مجازات اعدام را در مورد قاچاقچیان مواد مخدر به شرط شیوع و انتشار آن متصف به افساد فی الارض دانسته اند. همان طور که شورای عالی قضایی وقت نیز چنین نظری داشته است. ظاهراً چنین تفسیری با آنچه در قانون مجازات اسلامی در مورد افساد فی الارض (ماده ۲۸۶) مقرر گردیده نیز همخوانی و همسویی دارد در غیر این صورت اکثر مصادیق اعدام در جرائم مواد مخدر (مثل نگهداری یا حمل ۳۱ گرم هروئین)، به لحاظ عدم اتصاف به شیوع و



انتشار، صبغه حدی و شرعی ندارد و مشمول احکام سلطانیه است. اعتقاد به شرعی و حدی بودن اعدام جز در شرایط خاص به نحوی که قابل عدول یا تغییر نباشد مغایر با فلسفه وضعی آن است. با توجه به اینکه مجازات جرائم مواد مخدر بنا به نیازها و مصالح جامعه مقرر گردیده است اعتقاد به شمول مجازات بازدارنده بر مجازات اعدام با رویکرد قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۸) که همگی در قالب تعزیر توصیف می شوند منطبق است. لذا بدون شک، امکان تجدیدنظر در مجازات اعدام و توسل به مجازاتهای جایگزین که کارا و مفید باشد وجود دارد و مغایرتی با موازین شرعی ندارد. نگرش شرعی و امنیتی قانونگذار به مقوله جرایم مواد مخدر با توجه به اینکه معضل اجتماعی آن (نه معضل نظام) در واقع تجربه شده است از ابتدا مبتنی بر اشتباه بوده و احتمالاً ارجاع سیاست تقنینی جرایم مواد مخدر به مجمع تشخیص مصلحت ناشی از این نگرش بوده است.

مضافاً اینکه توسل به مجازات اعدام در مورد مجرمین مواد مخدر علاوه بر تبعات اجتماعی و بین‌المللی آن، در مواردی که صبغه شرعی آن مطرح شده موجب تضعیف اسلامیت قوانین کشور نیز گردیده است. ضمن اینکه اجتناب‌ناپذیر بودن امکان وجود اشتباهات قضایی در صدور احکام اعدام، جبران آن را غیرممکن می‌نماید. مجازات اعدام در موارد لزوم باید متوجه دانه درشتها و کسانی باشد که به صورت عمده یا سازماندهی شده یا مسلسلحانه مرتکب قاچاق شده و درآمد کلان ناشی از تجارت مواد مخدر دارند. البته سیاست کیفری در مورد خرده پاهای به نحوی باید ترسیم شود تا آنها به این باور قطعی برسند که دخالت در مواد مخدر نتیجه ای جز مجازات زندان یا جزای نقدی چند برابر به دنبال نخواهد داشت و این مهم فقط از طریق رعایت اصول حتمیت و قطعیت مجازات میسور خواهد بود. در مورد مجازاتهای جایگزین اعدام به نظر می‌رسد تعیین حبس متناسب برای بعضی از جرایم به نحوی که مجموعه دستگاه عدالت کیفری بدون ضابطه و معیار به نهادهای ارفاقی مثل عفو یا تخفیف متوسل نشوند و همچنین وضع جزای نقدی متناسب و مصادره اموال ناشی از جرم و حتی محرومیت از حقوق اجتماعی کارساز هست البته به شرطی که اصول حتمیت و قطعیت مجازاتها مغفول نماند و مجرمین مواد مخدر نتوانند بدون دلیل و ضابطه از نهادهای ارفاقی استفاده کنند چراکه امید به فرار از مجازات و امکان شمول عفو در تمام مراحل فرایند کیفری منجر به سلب بازدارندگی و کارآیی مجازات خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری:

پیشگیری کیفری در مرحله تقنین از طریق تعیین نوع مجازات و پیش بینی حداقل و حداکثر آن و اعطای اختیار به قضات جهت استفاده ضابطه مند از تاسیسات ارفاقی نظیر تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط توسط مقنن و در مرحله دادرسی توسط قضات دادگاهها از طریق انتخاب و تخصیص مجازات متناسب با وضعیت مرتکب اعمال می



گردد که مرحله اول را فردی کردن تقنینی و مرحله دوم را فردی کردن قضایی می نامند. قانونگذار ایران در جرایم مواد مخدر با هدف بازدارندگی فردی و عمومی از طریق توسل به مجازاتهای شدید، اصل تناسب مجازات را مرعی نداشته است. این در حالیست که بسیاری از کشورها امروزه سیاست کیفری سخت گیرانه را در برخورد با جرایم مواد مخدر کنار گذاشته و با رویکردهای اصلاحی و درمانی همراه با رعایت احترام به حریم خصوصی، با مواد مخدر برخورد معتدل نموده و حتی برخی کشورها چون پرتغال مسیر جرم زدایی را از مواد کم خطر در پیش گرفته اند.

واضعین قانون مبارزه با مواد مخدر توجه چندانی به معیارهای تناسب مجازات و سایر یافته های کیفرشناسی نداشته و سیاست مبتنی بر سرکوب را در پیش گرفته اند، شدت مجازات تاریخ تحولات حقوق کیفری و مطالعات میدانی و تجربی در جرم شناسی بیانگر آن است که نظریه بازدارندگی مجازات از طریق تشدید مجازات به لحاظ عدم توجه به اصل تناسب در عمل عقیم مانده است. قانون کیفری نباید از محدوده عدالت و تناسب خارج شود تا چنانچه به اهداف منظور نرسد لاقلاً اتصاف به عدالت و مشروعیت را حفظ کند. تردید قضات در اجرای آن و سعی در توسل به نهادهای عفو یا تخفیف، فقدان مشروعیت مجازات اعدام را تأیید می کند.

عدم تمایل قضات به صدور احکام سنگین بالأخص اعدام، توسل بی حد و حصر به نهادهای عفو خصوصی و تخفیف مجازات و موارد عدیده نقض احکام اعدام توسط رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور و در نتیجه عدم اجرای خیلی از احکام اعدام از عواملی است که اصل حتمیت یا قطعیت مجازات را به شدت متزلزل نموده است.

با توجه به آمار فزاینده جرائم مواد مخدر در سالهای قبل، مجازات اعدام فاقد بازدارندگی کافی بوده است و در طول حداقل ۴۲ سال گذشته، قانونگذار به شدیدترین شکل ممکن با وضع مجازاتهای سنگین بدون توجه به معضل اجتماعی آنها، به جنگ نابرابر با جرائم مواد مخدر رفته است و این سیاست کیفری سرکوب، خواسته یا ناخواسته در عمل اثرات نامطلوب اجتماعی و کاهش اعتبار بین المللی کشور را به دنبال داشته است. بنابراین، امکان تجدیدنظر در مجازات اعدام و تعدیل آن از طریق تناسب سازی یا توسل به مجازاتهای جایگزین که کارا و مفید باشد وجود دارد و با موازین شرعی نیز مغایرتی ندارد. ضمن اینکه اجتناب ناپذیر بودن اشتباهات قضایی در صدور احکام اعدام، لزوم اصلاح آن را بیشتر می طلبد. البته قانون گذار این مسیر را تا حدودی در قانون اصلاحی مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ را در پیش گرفت اما به نظر می رسد سیاست تقنینی در این خصوص باید به ویژه در مواد کم خطر و یا در مصارف شخصی، بیشتر تعدیل و ارفاق آمیز گردد و مجازات اعدام از این جرایم حذف گردد.

هرچند برخورد یکسان قانونگذار با کسانی که از سر استیصال به سراغ مواد مخدر می رود در مقایسه با کسانی که گردش بالایی مالی آنها ناشی از مواد مخدر می باشد بر خلاف اصل تناسب مجازات و عدالت استحقاقی است. با



این وصف بازنگری در مجازات اعدام و تقلیل آن به موارد خاص از قبیل سرکردگی، قاچاق مسلحانه، تکرار جرم برای بار سوم یا چهارم در بعضی از جرایم و ارتکاب جرایم مواد مخدر در حد عمده و وسیع به نحوی که مشمول افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی) قرار گیرد مفید به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ:

۱. آزمایش، علی (۱۳۸۵)، تناسب جرم و مجازات و تخلفات انتظامی سردفتران، متن سخنرانی، ماهنامه کانون، شماره ۶۸، صص ۷-۱۷.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، گزیده مقالات، نشر میزان، چاپ اول.
۳. احسان پور، سیدرضا و احسان پور، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵) توجیهات جرم زدایی از مصرف مواد مخدر آرام، مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۱۷۱-۱۹۹.
۳۴. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳)، «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، صص ۷-۳۴.
۴. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳)، جستاری در آسیب شناسی سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال اول، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۴.
۵. احمدی ابهری، محمدعلی (۱۳۷۷)، اسلام و دفاع اجتماعی، چاپ اول، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. الهام و محمدی، غلامحسین و فاطمه (۱۳۹۱)، مجازات متناسب از دیدگاه نظریه های بازدارندگی (با تأکید بر نظریه تعیین کیفر آلمان)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۵۷-۷۲.
۷. باصری، علی اکبر (۱۳۸۸)، سیاست جنایی داخلی و بین‌المللی مواد مخدر، چاپ اول، نشر خرسندی.
۸. برنار، بولک، (۱۳۷۷)، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۹. بکاریا، سزار (۱۳۷۷)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ سوم.



۱۰. پرادل، ژان (۱۳۸۷) تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، انتشارات سمت.
۱۱. پوربافرانی، حسن و مسائلی، امین (۱۳۹۶) تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۴، شماره ۹۱، ص ۱۴۱-۱۶۴ و
۱۲. فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر (۱۳۹۴)، وابسته به پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۱۳. پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. حبیب‌زاده محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۵.
۱۵. داوودی گرمارودی، هما (۱۳۸۳)، بررسی پویایی و پایایی نئوکلاسیسم باز اندیشیده، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، حقوق کیفری موادمخدر، چاپ اول، تهران، نشر میثاق عدالت.
۱۷. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم موادمخدر، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر، انتشارات سمت، سال ۸۶. آشوری، محمد، نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی مواد مخدر تهران، کتاب عدالت کیفری ۲ (مجموعه مقالات)، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۱۹۹-۲۱۰.
۱۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۵.
۲۰. زینالی، حمزه (۱۳۸۲)، بررسی قوانین کیفری ایران از نظر جرم‌زایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. ستاد مبارزه با مواد مخدر، سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹.
۲۲. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌الملل، نشر خط سوم، تهران.
۲۳. صفاری، علی (۱۳۸۴)، مقاله «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، از کتاب علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته ۱۵۳.



۲۴. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹)، جرم شناس و مسئولیت کیفری، نشر میزان، چاپ اول، تهران.
۲۵. فرجیها و فروزش، محمد و روح اله (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲)، «ویکرد اصل تناسب به مجازات قتل عمد در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی بناب، صص ۶۵-۸۵.
۲۶. فلاحی، احمد (۱۳۹۴)، اصل ضرورت در جرم انگاری و محدودیتهای وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۱، صص ۲۱۷-۲۴۰.
۲۷. علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۷)، تبیین جامعه‌شناختی دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر: مطالعه موردی استان مازندران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۲۸۵-۳۰۷.
۲۸. غلامی، حسین (۱۳۹۵)، کیفرشناسی - کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، تهران.
۲۹. کاظمی، مسعود (۱۳۹۳)، تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روان گردان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۳۰. گسن، ریموند (۱۳۷۰)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران: نشر مترجم.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ اول، شرکت سهام انتشار.
۳۲. کاوادینو ام، دیگلنان جی (سال ۱۳۸۴)، «توجیه یا دلیل آوری مجازات»، ترجمه دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، صص ۳۲۴-۲۸۷.
۳۳. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، مقاله «سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۵۱، صص ۲۲۹-۲۳۲.
۳۴. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۱)، نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۲۱.
۳۵. لازرژ، کریستین (۱۳۷۵)، سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، موسسه نشر یلدا.
۳۶. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳) کلیات پیشگیری از جرم، چاپ اول، نشر میزان.
۳۷. محمودی جانکی و مرادی حس آبادی، فیروز و محسن (۱۳۹۰)، افکار عمومی و کیفرگرایی، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۱۷۵-۲۱۴.
۳۸. محمودی جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲) توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم.
۳۹. منتسکیو، شارل لوئی (۱۳۶۲)، روح‌القوانین، ترجمه علی‌اکبر مجتهدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران.



۴۰. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین الملل، مقاله هفتم، نشر میزان، تهران.
۴۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، جزوه مباحثی در علوم جنایی (تاریخ تحولات حقوق کیفری)، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، سال.
۴۲. نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، علی حسین و حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۴۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «سیاست جنایی از کتاب علوم جنایی» (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، نشر سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول، صص ۲۷۱-۲۰۵.
۴۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۰)، «به سوی مجازات‌های هرچه انسانی‌تر»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، صص ۳۴۰-۳۱۵.
۴۵. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰) اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱.
۴۶. وینفری ال، توماس، نظریه های جرم شناسی، ترجمه رضا افتخاری، انتشارات دانشگاه آزاد واحد گناباد، سال ۱۳۸۸.
۴۷. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، چرایی و چگونگی مجازات، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، انتشارات طرح نو.
48. Fletcher, George p (1999), **Basic concepts of legal thought**, New York, Oxford university press.
49. Nagin, D. and Pograsky, G. (2001) **Integrating celerity, impulsivity and extra legal sanction threats into model of general deterrence: theory and evidence**, *criminology*, 39(4), 2001.
50. Von Hirsch, Andrew (1981), **desert and previous convictions**, In principle sentencings on theory & policy, (eds) Andrew von Hirsch & Andrew Ashworth, second Edition, Hart publishing oxford.
51. Von Hirsch, et al. (1999) **Criminal deterrence and sentence severity: an analysis of resent research**, Oxford Publishing.
52. Wood, Bailx (1997); **Utilitarianism, Institutions and justice**, Oxford university press, Jomes New york.